



محمد عسگری از تجربه ساخت «اتاقک‌گلی» می‌گوید

# عاشقانه‌ای از ایستادگی مقابل منافقین

نسرین بختیاری گروه فرهنگ محمد عسگری تجربه دستپاری مجیدی در فیلم «خورشید»، رضا میرکریمی را در فیلم‌های «امروز» و «قصر شیرین» دارد. او امسال کارگردان «اتاقک‌گلی» به‌عنوان یکی از فیلم‌های حاضر در جشنواره است. عسگری با معرفی تورج الوند به رضا میرکریمی در فیلم «نگهبان‌شب» و درخشش او در جشنواره جزو افرادی است که طرفدار این دیدگاه است و پراساس گفت‌وگویی که با این کارگردان داشتیم، گماکان این خطمشی را در آینده ادامه خواهد داد. داستان اتاقک‌گلی در روستای شبان اسلام‌آباد غرب می‌گذرد که به‌صورت واقعی اتفاق افتاده است. داستان حول محور خاندهای گلی است که مردم در آنجا پناه گرفته بودند و از خود در مقابل حمله منافقان دفاع کردند و گروهان فدک لشکر ۲۷ سپاه با هلی‌برد هوایی برای قطع راه ارتباطی نیروهای منافقان با مرکز پشتیبانی خود به آنجا منتقل و برای دفاع از مردم روستای شبان وارد عملیات شد. حضور عسگری در اولین تجربه کارگردانی خود در فجر چهل‌ویکم، بهانه‌ای شد تا با این کارگردان دقایقی گفت‌وگو کنیم.

## میز نقد

نقدی بر فیلم «آه سرد» ساخته ناهید عزیزی صدیق

سرماي قضاوت و انتقام



فیلمی جاده‌ای سرد و یخ‌زده، از سوز و روایت فیلم تا انتخاب لوکیشن، طراحی لباس و صحنه، دکوپاژ و قاب‌بندی، موقعیت جغرافیایی کوهستانی برفگیر، دیالوگ‌ها، جنس بازی بازیگران، تعلیق و غافلگیری و... همه و همه کاملاً منطبق برهم است و خون مخاطب را منجمد می‌کند. ناهید عزیزی صدیق در اولین تجربه کارگردانی فیلم بلند خود در دنیای سینمایی سختی قدم می‌گذارد. در این‌گونه تجربه‌ها تنها در صورتی که صاحب اثر حساسی مشق سینما کرده باشد می‌تواند از پس آن برآید و به محصولی برسد که مخاطب را با خود همراه کند. آنچه در «آه سرد» می‌بینیم گرچه به مدد نگاه دقیق صدیق (نویسنده و کارگردان) و بازی زیرپوستی بازیگران اصلی سرجمع می‌توانست در قالب یک فیلم نیمه بلند عرضه شود اما گنجاندن آن در چارچوب یک فیلم بلند داستانی هم برای تماشاگر آزاردهنده نیست. فیلمنامه، در شخصیت‌پردازی و دیالوگ هوشمندانه است و با وجود لوکیشن‌های زمستانی و سرد، فیلمی گرم و پرکشش را زمینه‌سازی کرده است. کارگردان هم به حق از هر عنصر سینما به شکل رضایت‌بخشی بهره برده است، فیلم کم‌بازگرم و کم‌کاراکتر است و مخاطب هم با توجه به موضوع و موقعیت جغرافیایی داستان چیزی غیر از این را انتظار ندارد چرا که می‌داند در فضای کوهستانی برفگیر حضور حتی یک آدم باعث دلگرمی است. از سوزی دیگر اندیشه‌قتلی که بها در سردارد آنچنان کشش‌زاست که می‌تواند مخاطب را در طول جاده‌های خلوت به خوبی با خود همراه کند. همچنان که داستان پیش می‌رود به فراخور موقعیت‌هایی که پیش روی شخصیت‌های اصلی قرار می‌گیرد گرافیکی و گره‌گشایی با ظرافت انجام می‌شود و سردرگمی برتعلیق مخاطب از چرایی انگیزه انتقام در بها بازمی‌شود. حالا مخاطب همچون بها برای نقطه اوج داستان که قرار است توسط او رقم بخورد لحظه شماری می‌کند. ارائه ظریف و قطره‌چکانی اطلاعات و شخصیت‌پردازی درست در طول فیلم غافلگیرکننده است اما در نقطه اوج، کشش بهرام و پیشقدمی او در اقدامی هوشمندانه در جلوگیری از عقوبت گناه غافلگیری و جذابیت روایت را به اوج می‌رساند. طراحی بی‌روح و بی‌رنگ و لعاب صحنه و لباس نیز کاملاً در خدمت حال و هوای داستان و طبیعت منطقه است. امساک کارگردان در استفاده از حداقل موسیقی نیز بسیار به درک کامل مخاطب از موقعیت و حال‌وهوای شخصیت‌های داستان موثر است. رد پای موسیقی آنجا که بها در بی‌یافتن بهرام در میان کوهستان برفی شب زده دچار توهم می‌شود در حالی که درگیر احساساتی چون ترس و خشم و ندامت است. تصویر فینال حسن‌ختامی است بریک فیلم جاده‌ای که سرمای انتقام و قضاوت را در بندند و جدوت تعریف می‌کند. فیلم‌های جاده‌ای خوب را مخاطبان حرفه‌ای سینما دوست دارند اما این اهمیت لزوماً تضمین‌گر گیشه فروش نیست.

## برش

### دردس‌های فیلم‌اولی‌ها

سال‌هاست که در ایران جشنواره فجر تجلی‌گاه فیلم است اما این‌که فیلم‌اولی‌ها چطور می‌خواهند در جشنواره راهی برای خود باز کنند مهم است. عرض‌اندام در کنار کسانی که باتجربه هستند و در کارنامه فیلم‌سازی خود چندین اثر را ساخته‌اند کار دشواری است. بنابراین باید نگاه تازه‌ای را مطرح کرد. این وضعیت را می‌توان با یک مثال این‌گونه بیان کرد که یک دانشجوی مقطع کارشناسی با توجه به سطح سواد و آگاهی‌اش باید چندین پله بالاتر بیاید تا در بین استادانی که پایان‌نامه مقطع دکتری خود را ارائه می‌دهند، کارش در همان سطح باشد. به‌نظم جشنواره فیلم فجر گذشته از همه ویژگی‌هایش بزرگ‌ترین کارش این است که شرایطی را فراهم می‌کند تا هنرمندان سینما در کنار یک‌دیگر باشند.

در فیلم‌سازی آینده خود همچنان به دیدگاه معرفی چهره‌های جوان و جدید به سینما ادامه می‌دهید؟ حتماً. این جزو دغدغه‌های همیشگی من بوده و به آن ایمان دارم. اگر بپذیریم که جوهره هنر خلاقیت است، پس می‌توان گفت که بخشی از فرآیند خلاقیت، یافتن و معرفی استعداد‌های جدید به سینماست و از دیگر فیلم‌سازان نیز خواهش می‌کنم به‌صورت ویژه در این مسیر همراه باشند.

و به‌عنوان سخن پایانی؟ در پایان از همه اعضای گروه‌م تشکر و قدردانی می‌کنم که با تمام سختی‌ها کنار آمدند تا این فیلم ساخته شود.

بودن و پیروی از سبک خاص می‌تواند فیلم‌ساز را از دیگر هم‌صنفی‌هایش متفاوت کند؛ فیلم باید به مسائلی بپردازد که مخاطب احساس کند جای آن در سینما خالی است. سینمرغ و گرفتن جایزه هم خوب است و هم سخت، به‌دلیل این‌که مخاطب آماده است که تو را در اثر بعدیت چند پله بالاتر ببیند و همین پیش‌داوری کار را برای فیلم‌ساز سخت می‌کند. امیدوارم فیلم اتاقک‌گلی نیازی به پیوست من نداشته باشد و در بین دیگر فیلم‌ها خودش را مطرح کند و در ادامه راهش را پیدا کند و پیش برود.

برای آینده این فیلم از لحاظ اکران یا مسائل دیگر تکرانی دارید؟ تکرار می‌کنم که وقتی شما فیلم را تمام می‌کنید، نمی‌توانید خود را به آن سنجاق کنید. اگر فیلم خوب باشد، خودش راهش را پیدا می‌کند و مانند رودخانه‌ای است که به دریا می‌رسد.

این فیلم شخصیت‌محور است و داستان حول محور شخصیت اصلی تورج الوند اتفاق می‌افتد. به‌نظم مخاطب این بار با وجه دیگری از بازیگری تورج الوند مواجه خواهد شد. معرفی چهره به سینما یک بخش ماجراست، بخش دیگر این است که مسیر آن فرد در سینما ادامه‌دار باشد و تنها محدود به یک فیلم نباشد. به‌عنوان مثال، درست است که ما در این فیلم امکان همکاری با روح... زمانی را نداشتیم اما زمانی که او را برای خورشید انتخاب کردم، تلاش را انجام دادم تا در ادامه کار نیز هدایت شود. در مورد معرفی استعداد باید گفت، هر بذری که نهال می‌شود، به‌خاطر رسیدگی است. درخصوص تورج الوند باید بگویم که در اتاقک‌گلی سعی شده این نهال به درخت تبدیل شود تا میوه و سایه را در کنار هم داشته باشد.

با توجه به این‌که فیلم‌های جشنواره پراساس تصمیمی که گرفته شد، در اولویت اکران هستند، فکر می‌کنید اتاقک‌گلی چقدر گیشه دارد و می‌تواند نگاه مخاطب را به سمت خود جلب کند؟

به‌نظم اولین وجه سینما سرگرم‌کنندگی آن است؛ یعنی برای انتقال هر مفهومی اول از همه شما باید توانایی مخاطب را سرگرم کنی تا حرفت را بزنی. در این فیلم سعی شده در داستان‌گویی و کارگردانی مخاطب را همراه کنیم. فیلمبرداری، طراحی صحنه، لباس، جلوه‌های ویژه رایانه‌ای و میدانی، چهره‌پردازی، صداپردازی و ترکیب صدا، تدوین و... گذشته از اجرای دقیق کار خود، وجه زیبایی‌شناسانه و سرگرم‌کنندگی را نیز مدنظر قرار داده‌اند.

چقدر به سینمرغ و گرفتن جایزه فکر می‌کنید و اگر جایزه بگیری فکر می‌کنید مسیر برای فیلم‌سازی شما آسان‌تر می‌شود یا سخت‌تر. یا این‌که به‌طورکلی نفس فیلم ساختن برای شما اهمیت دارد؟

فیلم‌سازی شدن یعنی ایده و هدف داشتن. زمانی که مخاطب عام و خاص سینما بگویند جای چنین فردی به‌عنوان فیلم‌ساز در سینمای ما خالی بود، آن زمان موفق بوده‌ایم. برای بیشتر اهمیت دارد که فیلم‌ساز باشم وگرنه درحال حاضر صدها نفر در حوزه تصویر هستند که در این حرفه فعالیت و اثر تولید می‌کنند. در حقیقت ساختن فیلم مهم نیست، بلکه چگونه ساختن آن مهم است. صاحب سلیقه

شما قبلاً برنامه ریز و دستیار آقایان مجید مجیدی در فیلم‌های «محمد(ص)»، «آن‌سوی ابرها»، «خورشید» و رضا میرکریمی در دو فیلم «قصر شیرین» و «نگهبان‌شب» بوده‌اید. چقدر از نگاه این دو فیلم‌ساز در ساخت اتاقک‌گلی وام گرفتید؟

البته گذشته از دیگر کارگردان‌هایی که پیشتر توفیق همکاری با آنها را داشته‌ام، در فیلم «تنگه ابوغریب» نیز دستیار آقای بهرام توکلی بودم. آن فیلم تجربه بسیار خوبی را در سینمای جنگ برایم به ارمغان آورد. در مورد پاسخ به سوال‌تان باید بگویم با توجه به احترام ویژه‌ای که برای آقایان مجیدی و میرکریمی قائلم، تمام تلاش را انجام داده‌ام که در فیلم اتاقک‌گلی تلفیقی از سینمای این دو عزیز دیده شود. البته بهتر است که این قضاوت را مخاطب پس از دیدن فیلم انجام دهد.

چه دغدغه‌ای را در ساخت فیلم اتاقک‌گلی دنبال می‌کردید و چه تلاشی برای شما داشت که سراغ چنین موضوعی رفتید؟

برای من سینمای جنگ دوست‌داشتنی است اما باید ویژگی‌هایی هم داشته باشد. گاهی فیلم‌سازان این زانر مجموعه‌ای از انفجارها و تیراندازی‌ها را تصویر می‌کنند و محور داستان نیز یک عملیات و استراتژی مربوط به نیروها در هنگام جنگیدن است. درحال حاضر این غلط است به دلیل این‌که در سینمای ایران تاکنون فیلم‌های زیادی ساخته شده‌اند که از این قاعده پیروی کرده‌اند، پس باید متفاوت عمل کرد، چون مخاطب امروزی همواره شیفته داستان است، بنابراین باید برای آنها داستان‌سرایی کرد. ما در اتاقک‌گلی شاهد داستانی عاشقانه هستیم که در میان خون و آتش و انفجار روایت می‌شود و درواقع این داستان در دل عملیات مرصاد رخ می‌دهد.

چه مقدار زمانی را برای ساخت اتاقک‌گلی صرف کردید و چه چالش‌ها و سختی‌هایی برای ساخت فیلم داشتید؟

مادریم ۸۲ جلسه در شهرستان جوانرود و شهرک سینمایی دفاع مقدس فیلمبرداری کردم و این درحالی بود که فیلمبرداری این فیلم مصادف شده بود با بحران‌ها و نابسامانی‌های اخیر کشور. این اتفاقات در جوانرود گروه را با مشکلاتی مواجه کرد که بالاچار ۶۸ روز تعطیل شدیم. دغدغه‌های تهیه و تولید این فیلم بسیار بالا بود اما به لطف خدا موفق شدیم که فیلم را به پایان برسانیم. اجرای صحنه‌های جنگی نیازمند اسلحه و مواد منفجره بود که با توجه به شرایط کشور اجازه استفاده از آن را نداشتیم و تأمین نمی‌شد. این موضوع بسیار اذیت‌کننده بود و موجب می‌شد در آن زمان فیلم‌هایی که در این زانر فعالیت داشتند با مشکل مواجه شد. تعطیلی‌های رخ داده ضربه بزرگی را به فیلم زد، چون داستان فیلم اتاقک‌گلی در تابستان رخ می‌داد اما به‌دلیل طول‌کشیدن زمان فیلمبرداری، بسیاری از سکانس‌ها را در دمای زیر صفر فیلمبرداری کردم. سرمای هوا و بخار دهان باعث کاهش کیفیت اجرای بازیگران می‌شد اما با داربست‌زدن و ناپولون‌کشیدن در فضای باز و محدود کردن لوکیشن به خواست خدا توانستیم فیلم را به سرانجام برسانیم.

شما متخصص استعدادیابی در بازیگران جوان هستید و تورج الوند که در نگهبان‌شب بازی خیلی خوبی داشت، جزو کشف‌های شما بود. چقدر در اتاقک‌گلی دنبال استعدادیابی بازیگران جوان رفتید؟

یکی از همان استعداد‌های جوان تورج الوند است که برای نقش اول اتاقک‌گلی انتخاب شد. به‌نظم حقش را آن‌طور که شایسته است، نتوانست در نگهبان‌شب بگیرد و صرفاً کاندیدا شد. امیدوارم اینجایا توجه به این‌که نقش بسیار سختی را بازی کرده، اتفاقات خوبی برایش بیفتند. الوند بازیگر هدایت‌پذیری است و در اتاقک‌گلی از تمام ظرفیتش برای بازی در این نقش استفاده کرده است. درخصوص دیگر بازیگران نیز باید گفت به‌غیراز خانم آناهیتا افشار که ایشان هم بسیار متفاوت ظاهر شده‌اند، بقیه بازیگران از هنرمندان خوب تئاتر هستند که آنها را هم باید دید و نتیجه کارشان را قضاوت کرد.

فکر می‌کنید این فیلم می‌تواند چهره جدیدی به سینمای ایران معرفی کند یا خیر؟

